



تربیت دینی در عصر غیبت/ چرا در آخرالزمان دینداری دشوار است؟

روایات مربوط به آخرالزمان نشان می دهد که دینداری در عصر غیبت کار بسیار دشواری است.

روایات مربوط به آخرالزمان نشان می دهد که دینداری در عصر غیبت کار بسیار دشواری است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه سی و چهارم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

حرف ما اینست که چه ضرورتی دارد ما راجع به امام زمان پژوهش بکنیم؟ این تیتراژ بحث است حالا برای این که به این نتیجه برسیم از اینجا شروع کردیم که مهمترین و ضروری ترین اصل زندگی انسان دین است و از دیدگاه و نگرش درون مذهبی صحبت کردیم. ما نخواستیم دیدگاه عقلا را مطرح بکنیم و از دیدگاه عقل ضرورت دین را اثبات بکنیم چون آنهایی که پای بحث ما هستند غالباً کسانی هستند که اجمالاً و قطعاً دین را قبول دارند. و رهبران دینی را قطعاً قبول دارند.

ما یک روایتی را خواندیم از ساحت مقدس امیرالمومنین علیه السلام نامه ای بود که ایشان به جناب محمد بن ابی بکر نوشتند وقتی ایشان را می خواستند منسوب بکنند به سمت ولایت مصر، به ایشان فرمودند: - فانت مخلوقٌ آن تُخالفَ علی تفسیک باید دوتا کار را انجام بدهی، تو استاندار منی و از طرف من منصوبی باید دو تا کار را انجام بدهی بعنوان کسی که به علی علیه السلام منسوبید و در ولایت امری مردم سهم دارید دوتا کار انجام بدهی: - آن تُخالفَ علی نفسک؛ با نفست مخالفت کنی تهذیب نفس داشته باشی یعنی مراقبت داشته باشی ۲ - و آن تناقض عن دینک؛ حمایت بکنی، و لو لم یکن لکَ إلا سَاعَةٌ مِنَ الدَّهْرِ اگر یک ساعت یا لحظه ای از عمرت باقی نمانده باشد وقتی می گوید از دینت حمایت بکنی حکایت از این می کند که دین امر بسیار مهمی است. بعد در همان جلسه عرض کردیم فواید دین را گفتیم به همین دلیل فواید موجب می شود که ما عقلاً برسیم که آقا دین امر مهمی است.

وقتی یک چنین منافعی را دارد پس باید امر مهمی باشد.

یکی از آن فوایدی را که گفتیم این بود که دین برای انسان آرامی می آورد. التزام دین آرام بخش است درحالی که التزام به قانون سکوت آور است. شما ممکن است قوانین را اجرا بکنید ولی آرامش درونی نداری بلکه ممکن است که به حسب اجبار این اتفاق بیفتد. ولی در التزام به دین آدم آرامش دارد.

آنگاه به ما می گویند از دین تان مراقبت کنید. در حالی که رهبران آسمانی ما می گویند از دین خودتان مراقبت بکنید معلوم می شود دین داری کار سختی است. حالا واقعاً دین داری کار سختی است؟ در دوره غیبت کبری بر حسب آنچه که در روایات وجود دارد فرمایش امام صادق علیه السلام فرمودند: درختی داریم بنام درخت قتاد که یک خصوصیتی دارد: ۱- پر تیغ است؛ ۲- تیغ های سوزنی دارد مثل درخت کاکتوس که تیغ های کوچک دارد نیست بعد حضرت فرمودند دین داری در دوران غیبت کبری به مراتب سخت تر است که شما با دست تان روی درخت قتاد حرکت بدهید و خارها را جابجا بکنید بعد امام فرمودند: قَائِمٌ یَمْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ یَبْدَهُ كَدَامَ تَانِ مِی تَوَانِیدُ بَا دَسْتِ تَانِ خَارَهَا دِرْخْتِ قَتَادِ رَا جَا بَه جَا بَكْنِیدُ؟

یعنی این کار ممکن است انجام بشود ولی دین داری از این کار سخت تر است. به دو دلیل:

۱- امام علیه السلام می فرماید دین داری در دوره غیبت کبری غریبانه می شود یعنی مثل اصحاب کهف می شود. ببینید این مسئله خیلی مسئله مهمی است و در جامعه ما هم متأسفانه ابتلایش وجود دارد. جامعه ما از نظر اعتقادی غالباً ممکن است مؤحد باشند ولی از نظر رفتاری ماتریالیست هستند. یعنی رفتار و ایدئولوژیشان به آن جهان بینی شان نمی خورد. این جهان بینی توحید، زهد، دوری از اشراف گری، دوری از اسراف و... را اقتضا می کند، لکن انسان هائی هستند که دارای جهان بینی توحیدی هستند یعنی در عقیده مؤحدند ولی از نظر رفتار ماتریالیستند.

اگر کسی بخواهد در این جامعه زندگی کند حضرت می فرماید به زندگی او غریبانه است و خیلی هم فشنگ تعبیر می کنند حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: - وَ طُوبَى لِلْغَرِیْبِ الْقَادِرِ بَدِینَه؛ خوش به حال آن غریبی که دینش را برمی

دارد و فرار می کند یعنی می رود به غار اصحاب کهف.

اینها هیچ کدامش سلب مسئولیت اجتماعی نمی کند. ولی وقتی جامعه پذیرایش نیست چکار می شود کرد؟ حالا کسی نگوید فلانی دارد نحوه ای از دین را مطرح می کند که سلب مسئولیت اجتماعی است. اصلاً این حرف ها نیست. ولی وقتی دین داری من در جامعه خریدار ندارد و من هر کاری می کنم هم از طرف خانواده هم از جامعه پذیرای آن نیستند چه باید کرد؟

پس من سلب مسئولیت اجتماعی نکردم. شرایط نمی پذیرد. جامعه نمی پذیرد چون غلط تربیت شده، برای این که فردا بخدا نگوئید قالوا کنا مستضعفین فی الارض خدایا ما دیگر چاره ای نداشتیم. چون خداوند این معنا را نمی پذیرد، بلافاصله می فرماید مگر زمین من واسعه نبود؟ می رفتی جای دیگر زندگی می کردی پس باز تکرار می کنم من سلب مسئولیت اجتماعی نکردم شرایط جامعه طوری می شود که نمی پذیرند.

دین داری سخت می شود ولی سختی اش به دو جهت است، ما دو جهت آن را مطرح می کنیم: ۱ - جامعه به طرفی می رود که انسان ناخودآگاه بی دین می شود. و این ناخودآگاه خیلی طول نمی کشد. روایت را توجه بفرومائید. از وجود نازنین حضرت باقر علیه السلام: - لَمْ حَصَّنْ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، تَمَحِيصَ الْكُجَلِ فِي الْعَيْنِ ای شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آل وسلم؛ یقیناً برای پاک شدن مورد آزمایش سخت قرار می گیرید هم چون پاک شدن سرمه از چشم، و إِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي مَتَى يَقَعُ الْكُجَلُ فِي عَيْنِهِ وَ لَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَلِي وَ قَتِي فِي طَوْلِ زَنْدُكِي بَا أَنْ سَرْمَهُ چشتم راه می رود و متوجه نمی شود چه زمانی سرمه چشمش پاک شده؟ و كَذَلِكَ وَ هَمِينَ طُورٍ يَعْنِي مُتَوَجِّهٍ نَمِي شُودِ اِنْسَانِ، وَ كَذَلِكَ يُصِيحُ الرَّجُلُ عَلَي شَرِيْعَةٍ مِنْ اَمْرِنَا مُرِدٍ (انسان شب را به صبح می رساند برحکمی از احکام ما) وَ يُمَسِي وَ قَدَ خَرَجَ مِنْهَا وَ شَبٍ مِي كُنْدُ فِي حَالِي كِهْ اَزْ اَنْ حَكْمِ مَا خَارِجِ شُدِهْ، وَ يُمَسِي عَلَي شَرِيْعَةٍ مِنْ اَمْرِنَا شَبٍ مِي كُنْدُ بِهْ اِعْتِقَادِ بِهْ اِحْكَامِ مَا، وَ يُصَبِحُ وَ قَدَ خَرَجَ صَبِيحٍ مِي كُنْدُ فِي حَالِي كِهْ اَزْ التَّزَامِ بِهْ شَرِيْعَتِ مَا خَارِجِ شُدِهْ. خِيْلِي عِبَارَتِ رَوَايَتِ وَاضِحِ اِسْتِ، يُصَبِحُ يُمَسِي صَبِيحٍ وَ شَبٍ اِسْتِ نِهْ اَمْرُوزِ وَ دِهْ سَالِ اَيْنِدِهْ، نَاخُودَاگَاهِ بِي دِيْنِ شَانِ بِهْ يَكِ صَبِيحٍ وَ شَبٍ اِسْتِ. خِيْلِي زَمَانِ نَمِي بُرْدِ اِنْسَانِ نَاخُودَاگَاهِ بِي دِيْنِ بَشُودِ لَذَا مِي گُوِيْنْدِ دِيْنِ دَارِي سَخْتِ اِسْتِ.

۲- اساساً یک عده ای در جامعه دارند می زنند که دین را بگیرند یکی از این دشمنان وهابیت است که به نظر من وهابیت دشمنی است که با تمام ظرفیت آمده جلو، تمام ثروتش را آورده، تمام نیروهایش را آورده، لکن ما هیچ جنبه تدافعی و سپر ایمنی برای جامعه مان نداریم، لذا مکرر می شنویم خانواده ها می آیند می گویند بچه مان تا دیروز نماز می خواند روزه می گرفت زیارت عاشورا می خواند ولی کنار گذاشته است. چرا؟ یک وجه آن اینست که دشمن دارد کار می کند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام:

- إِذَا فَقِدَ الْخَامِسَ مِنْ وُلْدِ السَّايِعِ وَ قَتِي بِنَجْمِيْنِ فَرْزَنْدِ اَزْ هَفْتَمِيْنِ اِمَامِ غَايِبِ شُدِ، قَالَهْ اَللّٰهْ فِيْ اَدْيَايْگَمْ، خُدَا رَا، خُدَا رَا مُرَاقِبِ فِيْ دِيْنِ شَانِ بَاشِيْدِ، لَا يُدْتَلَّتْگَمْ اَحَدٌ مُرَاقِبِ بَاشِيْدِ هِيْجِ كَسِ شَمَا رَا اَزْ دِيْنِ تَانِ جِدَا نَكَنْدِ. يَعْنِي يَكِ عِدِهْ مُتْرَصِدِ اِيْنِ مَعْنَا هَسْتَنْدِ كِهْ شَمَا رَا اَزْ دِيْنِ جِدَا بَكَنْنْدِ.

وجود نازنین علی علیه السلام بیان نورانی شان اینست.

- اَيُّهَا النَّاسُ دِيْنِگَمْ دِيْنِگَمْ مُرَدَمِ مُرَاقِبِ دِيْنِ خُودَتَانِ بَاشِيْدِ، تَمَسَّگُوَايِهْ بِهْ دِيْنِ تَانِ تَمَسْكِ كُنِيْدِ، عَمَلِ كُنِيْدِ نِهْ اِيْنِ كِهْ دِيْنِ دَارِ شَنَاسَنَامِهْ اِيْ بَاشِيْدِ. اِگَرِ مِي گُوِيْ مَنِ مُسْلِمَانِمِ، مُسْلِمَانِيْ اَتِ رَا نَشَانِ بَدِهْ اِگَرِ مِي گُوِيْ مَنِ شِيْعِهْ اَمِ، تَشِيْعِ اَتِ رَا نَشَانِ بَدِهْ مِي فَرْمَايَنْدِ:

وَ لَا يَرِيْتَنَّگَمْ وَ لَا يُرْدَنَّگَمْ اَحَدٌ عَنَهْ مُرَاقِبِ بَاشِيْدِ اَزْ دِيْنِ تَانِ مُنْصَرَفَتَانِ نَكَنْدِ يَعْنِي يَكِ عِدِهْ مُتْرَصِدِ اِيْنِ مَعْنَا هَسْتَنْدِ.

مطالبه فرهنگی و دینی در جامعه ما نیست که مردم بدنبال دین باشند. وقتی مطالبه مردم نباشد خوب در برنامه ریزی مسئولان هم نیست. یعنی ما اول دبستان، در مراکز مهد و مراکز رشد کودک تا بالا جنبه تربیتی برنامه و نظام نامه تربیتی نداریم.

۱- بنابر این دین داری سخت است بخاطر این که غریبانه است؛ ۲- دین داری سخت است چون یک عده مترصدند دین را بگیرند. - گفتیم دین اهمیت دارد - دستور دادند به ما دین تان را مراقب باشید عرض کردیم چرا باید مراقب باشیم چون دین داری کار سختی است چرا سخت است؟ گفتیم.

حالا، ادامه بحث اینست که:

- چه کسانی ضربه فنی می شوند؟ یعنی دین از دست شان در می رود. خیلی مهم است. این بزنگاه بحث است. وقتی آدم این جور باشد تردید نکنید آدم می خورد.

این حدیث در مقدمه کتاب شریف کافی است و خود محدث بزرگوار جناب کلینی از یکی از دو امام حضرت باقر یا حضرت صادق علیه السلام تردید از ایشان است نه از من، این روایت را نقل می کنند. - مَنْ أَخَذَ دِينَهُ وَ سُنَّتَهُ تَبِيَهُ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ إمام باقر یا امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر کسی دین اش را از کتاب خدا و سنت رسول بگیرد، کوهها جا به جا می شود ولی او جا به جا نمی شود.

وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْواهِ الرِّجالِ رَدَّتْهُ الرِّجالُ وَ اگر کسی دینش را از زبان مردان بگیرد مردان دیگر دینش را از او می گیرند. این روایت یعنی این که: کسانی که دین شان شئونات و جزئیات دین شان مستند نباشد از بین می روند.

در جامعه ما تظاهرات دینی هست ولی تفکر دینی نیست رفتارهای دینی ما بر مبنای کتاب الله و عترتی نیست. چون همه دارند این کار را می کند منم این کار را می کنم. یعنی تدين ما تدين ارثی است. و نه یک تدين درسی و امامين ما می فرمایند اگر دین تان، دین درسی نباشد مترصدند که آن را از شما بگیرند

آقا دین تان را مستند کنید. برو سند برایش بیار چرا نماز میخونی؟ حداقل برای خودت حل شده باشد. این لازمه اش اینست که آموزش و پرورش ما، آموزش عالی ما، ارشاد ما، رسانه ما یک هم اندیشی داشته باشند یک پازل را بچینند که هر کدام یک مهره این پازل باشند.

جامعه ما چون درست تربیت دینی نشده در شئون زندگی اش امور دینی محوریت ندارد. ببینید شما در امر زندگی تان یک امر دنیائی باشد دو تا مسئله که باشد یک خورده تعقل می کنید بعد از تعقل مشورت می کنید نتیجه می گیرید آقا من می خواهم کار کنم ایران بمانم یا مثلاً بروم فلان جا؟ دو دوتا چهارتا می کنید به یکی از این دو تصمیم می رسید انجام می دهید کار عقلانی هم هست اما در بین تعارض امور دینی و امور دنیوی چه تصمیمی گرفته می شود؟

من دینم را حفظ کنم یا دنیا را؟ خب در این تصمیم غالباً دنبال یک توجیهاات می روند ولی ببینید امیرالمومنین علیه السلام چه بیانی دارند؟ رسول گرامی صلی الله علیه و آله به حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: - یا علی، اَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِيَالٍ فَاحْفَظْهَا تورا به فضائلی توصیه می کنم حفظش بکن: - ۱ - بَدِّلِكَ مَالِكَ وَ دَمِّكَ دُونَ دِينِكَ مال؛ جانت را فدای دینت بکن در تعارض شئون دینی و دنیائی، دنیا را فدای دینت بکن، - فرمایش دیگر از علی علیه السلام: - مَنْ جَعَلَ مَلِكُهُ خَادِمًا إِنْقَادَلَهُ كُلُّ سُلْطَانٍ کسی که ثروت و امکاناتش را در خدمت دین درآورد هر سلطانی در برابرش مطیع است. وَ مَنْ جَعَلَ دِينَهُ خَادِمًا لِمَلِكِهِ طَمَعَ فِيهِ كُلُّ إِنْسَانٍ؛ و هرکس دین خودش را خادم دنیا و ثروتش قرار بدهد مورد طمع افراد قرار می گیرد آخرین عرض من در این زمینه حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: این جَعَلْتَ دَنِيكَ تَبَعًا لِذِيْنَاكَ أَهْكَلْتَ دَنِيكَ وَ دُنْيَاكَ اگر دین تابع دنیا شد هم دین را ضایع کردی هم دنیا را. وَ كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ إِن جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبَعًا لِذِيْنِكَ أَضْرَرْتَ دَنِيكَ وَ دُنْيَاكَ وَ كُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ اما اگر دنیا را فدای دینت کردی دین و دنیا هر دو حفظ میشود و در آخرت جز رستگاران هستی.

حرف آخر این که دین چه ارکانی دارد؟ اجزاء این دین که من باید جانم و مالم را بدهم برای حفظ دینم ارکانش چیست؟